

کرونا (کووید ۱۹) و نقض حقوق شهروندی در

افغانستان*

سید ابوالحسن باقری (نویسنده مسئول)**

محمد خلیل صالحی***

چکیده

شهروند (Citizen) کسی است که در جامعه سیاسی معینی قرار گرفته و تابعیت مشترکی با افراد آن داشته باشد؛ حقوق شهروندی نیز حقوق و تکالیفی است که توسط قوانین داخلی برای یک شخص به جهت اینکه عضو یک جامعه سیاسی است و رابطه طرفینی با دولت دارد، معین شده است. از آنجا که این حقوق، توسط دولت‌ها ایجاد و یا به رسمیت شناخته می‌شوند، نقض این حقوق نیز توسط دولت‌ها انجام می‌شود. نوشتار پیش‌رو، رفتارهایی را که دولت افغانستان در مقابله با کرونا انجام داده و یا باید انجام می‌داد و موجب نقض حداقل سه نسل حقوق شهروندی گردید، با روش توصیفی و تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار داده است. در نهایت، مشخص می‌شود که حق آزادی رفت‌وآمد، حق دسترسی به اطلاعات در مورد میزان مرگ و میر و مبتلایان به کرونا، حق تأمین اجتماعی و دسترسی مبتلایان به دارو و تجهیزات جانبی در مقابله با کرونا در کشور افغانستان مورد نقض قرار گرفته و حتی در مورد تدفین مردگان کرونایی، هیچ‌گونه مقرراتی در این کشور ایجاد نشده است.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی افغانستان، نسل‌های حقوق شهروندی،

شهروند، نقض حقوق شهروندی، حقوق بشر، کووید ۱۹.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.

** دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه / s.hasanbaqeri@gmail.com

*** رئیس دانشکده حقوق و عضو هیئت علمی دانشگاه قم / mohamad.salehy@google.com



مقدمه

در حالی که بیماری کرونا همه‌گیر شده است و همه کشورها در مقابله با آن اقداماتی را انجام داده‌اند و می‌دهند، در این بین دولت افغانستان نیز همانند دیگر دولت‌ها اقداماتی را در تقابل با کرونا انجام داده است و یا باید انجام می‌داد. سؤال این است که رفتارهایی که در جهت مقابله با کرونا انجام می‌شود، در چه مواردی با موازین حقوقی به ویژه حقوق شهروندی سازگاری داشته و در چه مواردی ناقض حقوق شهروندان است؟ در این نوشتار چنین استنتاج شده است که موارد زیادی از اقدامات دولت افغانستان برای مهار کرونا غیرکارشناسانه است. در مقاله حاضر، آن دسته از رفتارهای دولت افغانستان در تقابل با کرونا که موجب نقض حقوق شهروندی است، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از نظر پیشینه تحقیق نیز در این مورد تاکنون هیچ مقاله و یا پایان‌نامه‌ای نوشته نشده است که رفتارهای دولت افغانستان را در مقابله با کرونا، با توجه به رعایت حقوق شهروندی، مورد نقد و بررسی قرار داده باشد. از این رو، این مقاله با توجه به اعلام وضعیت قرنطینه چندین ماهه از سوی دولت افغانستان، با استفاده از اخبار و اطلاعات موثقی که در سایت‌های مهم داخلی و بین‌المللی منعکس شده است، انجام یافته است.

۱. مفهوم شهروندی

به جهت اینکه حقوق شهروندی تابعی از مفهوم «شهروند» است و هنگامی می‌توان حقوق شهروندی را مطرح نمود که مفهوم «شهروندی» شناخته شود، به همین جهت، لازم است پیش از آن، مفهوم «شهروند» توضیح داده شود. شهروندی یا شهروند، یک اصطلاح جامعه‌شناسی، ترجمه کلمه «مُواطن» در عربی و ترجمه واژه Citizen در انگلیسی است که از ریشه شهر و وطن اشتقاق یافته است. مطابق فرهنگ‌های لغت عربی، منظور از «وطن» جایی است که انسان آن را به عنوان محل اقامت، سکونت و استقرار خود انتخاب نموده است، اعم از اینکه در آن متولد شده یا نشده باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۱) دیگر لغویان نیز تعریف مشابهی از وطن دارند. (الزبیدی، ۱۴۱۴: ۵۷۶)

«وطن»، در فرهنگ‌های لغت فارسی نیز همانند معاجم عربی، در معانی مشابهی به‌کاررفته است. در فرهنگ فارسی دکتر معین به معنای «جای گرفتن» و «مقیم شدن» و «اقامت نمودن در جایی»، معنا شده است. (معین، ۱۳۹۱: ۵۰۳۷) دو کلمه «شهروند» و (Citizen) در زبان فارسی و انگلیسی ناقص‌تر از کلمه «مواطن» است که در زبان عربی به کار می‌رود؛ به جهت اینکه کلمه مواطن از وطن اشتقاق یافته و تمام ساکنان سرزمین را شامل می‌شود، چه اینکه در شهر باشند و یا در غیر شهر؛ درحالی‌که کلمه «شهر» و «Citi» چنین معنای وسیعی را ندارند و فقط گوینده باید چنین اراده وسیعی را داشته باشد.

اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان، «شهروند» را کسی می‌دانند که در یک جامعه انسانی مشخصی قرارگرفته و به همراه دیگران زندگی عادی خود را دارد. (سعید، ۱۳۰۱م: ۱۳) بسیاری از نظریات به تابعیت و یا حق و تکالیفی اشاره کرده‌اند که فقط بر اتباع یک کشور صدق می‌کند. به نقل از دائرةالمعارف بریتانیکا، شهروندی (Citizenship) ارتباطی است مشتمل بر حقوق و تکالیف، بین افراد و دولت که حدود آن را قانون تعیین می‌کند. (الزیدی، ۱۴۲۶: ۱۰) به جهت اینکه دولت بریتانیا در گذشته بین ساکنان مستعمرات خود، تفاوت قائل بوده و شهروند را بر شخص طبیعی اطلاق می‌کرده است که از حقوق سیاسی و مدنی به‌طور کامل برخوردار بود. (همان: ۱۵)

برخی از دانشمندان حقوق معتقدند که دارنده این حقوق، یعنی شهروند (citizen) شامل کلیه افرادی است که در یک جامعه زیست نموده و دو خصوصیت مشترک دارند؛ ملت واحده محسوب شده و دارای تابعیت واحدی می‌باشند. (لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۷۳۰) با اینکه «شهروند»، در لغت و در برخی از نظریات پیش‌گفته به معنای ساکنان یک سرزمین است (اعم از تبعه و غیر تبعه) ولی در عمل، در کلیه کشورها، شهروند فقط بر اتباع یک کشور اطلاق می‌شود. کسانی که تابعیت کشور مشخصی را دارند و عضویت جامعه سیاسی آن کشور را داشته باشند، شهروند همان کشور محسوب می‌گردند؛ برای نمونه، اتباع مصر شهروندان





مصری هستند و اتباع آمریکا شهروندان آمریکایی هستند و اتباع فرانسه شهروندان فرانسه هستند. (فوزی، ۲۰۰۷م: ۹)

در جمهوری اسلامی ایران نیز بین دو امر اقامت در کشور و شهروندی تفاوت گذاشته شده است و صرف اقامت در یک کشور موجب نمی شود که یک شخص شهروند آن کشور محسوب و از حقوق شهروندی بهره مند گردد، زیرا شهروندی، وضعیت معرفی شده‌ای است که یک فرد به جهت اینکه عضو یک جامعه سیاسی است، از آن برخوردار است و به موجب آن در جامعه دارای حق و تکلیف است. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۴)

برخی دیگر از نویسندگان نیز بر وجود چنین وضعیتی در ایران تصریح نموده‌اند و کسانی را که در کشور، صرفاً اقامت دارند، با دیگران در برابر قانون مساوی ندانسته و به عنوان شهروند آن دولت نمی‌شناسند. (عیسی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۳) در مقابل، کسانی هم بر آن‌اند که با توجه به حضور میلیون‌ها نفر از مردم جهان سوم در کشورهای اروپایی و غربی و برخورداری آنان از حقوق مساوی شهروندی و توجه به نظریات دینی، «شهروند» اعم از اتباع و خارجی‌های ساکن در یک سرزمین‌اند که تحت حاکمیت یک دولت قرار دارند؛ هرچند استخوان‌بندی اصلی جمعیت هر کشور را در اتباع آن کشور می‌داند. (قاضی، ۱۳۸۸: ۵۹)

کشور افغانستان نیز اتباع خود را «شهروند» دانسته و حقوقی را برای آنان به رسمیت شناخته است که برای دیگر ساکنان کشور مطرح نیست، اگر چه عنوان «حقوق شهروندی» در قانون اساسی ۸۲ و قوانین پیشین افغانستان نیامده است، ولی مصادیق آن در این قانون وجود داشته و در جای خود به آن استناد شده است. از طرف دیگر، این عنوان در جای‌جای اسناد تقنینی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است، وجود دارد و منظور از آن «اتباع دولت افغانستان» است. در این باره، از جمله اسنادی که می‌توان به آن‌ها استناد جست، اسناد تقنینی زیر است:

۱. فرمان رئیس‌جمهوری اسلامی افغانستان در مورد ایجاد شورای عالی کاهش فقر، عرضه خدمات و مشارکت شهروندی، مصوب ۱۳۹۶؛

۲. برنامه ملی میثاق شهروندی، فرمان تقنینی ۱۳۹۵؛

۳. پروتکل علیه قاچاق مهاجران در خشکه، دریا و هوا، مصوب ۱۳۹۵؛

۴. کنوانسیون انتقال محکومین استراسبورگ، مصوب ۱۳۹۵؛

۵. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مصوب ۱۳۹۶؛

۶. قطعنامه شماره (P-۹۵/۲۶) در مورد اجرای مجموعه قواعد طرز سلوک برای مبارزه با تروریزم بین‌المللی: فرمان رئیس‌جمهوری اسلامی افغانستان در مورد توشیح مصوبات مجلسین شورای ملی مبنی بر تصدیق الحاق جمهوری اسلامی افغانستان به کنوانسیون سازمان همکاری‌های اسلامی در مورد مبارزه علیه تروریزم بین‌المللی، شماره ۱۴۶، مورخ ۱۳۹۴؛

۷. موافقت‌نامه بین دولت‌های جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی پاکستان به منظور تنظیم عبور و مرور ترانزیتی از طریق دو کشور، فرمان رئیس‌جمهوری اسلامی افغانستان شماره ۵۳، مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۳.

۲. مفهوم حقوق شهروندی

باتوجه به توضیح مفهوم «شهروند» در مبحث گذشته، به طور منطقی، حقوقی مد نظر است که برای شهروندان به این جهت که واجد وصف شهروندی هستند، وجود دارد وگرنه، تمام حقوق از حقوق ماهوی گرفته تا حقوق شکلی و از حقوق اساسی گرفته تا حقوق مدنی و جزایی، همه برای شهروندان هستند. در عین حال دو چیز باید از هم تفکیک شود، یکی عنوان حقوق شهروندی و دیگری مصداق و محتوای آن. عنوان «حقوق شهروندی» همانند عنوان «حقوق بشر» سابقه چندانی در اصطلاحات حقوقی و اجتماعی ندارد و از مفاهیمی است که بعد از جنگ جهانی دوم رایج شده است و طرح آن بیشتر توسط دولت‌ملت‌های مدرن بوده و این عنوان در سده‌های اخیر در قوانین آن کشورها راه‌یافته است. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۵۱) برخی از نویسندگان معتقدند که طرح عنوان حقوق شهروندی با مفهوم مدرن





امروزی، پیش از جنگ جهانی اول و دوم و بعد از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه بوده و انقلاب یادشده موجب شد تا ارتباط نزدیکی میان دولت و ملت ایجاد گردد و این تفکر در دهه‌های بعد به اندیشه‌ای فراتر از دولت-ملت (Nation-State) توسعه یافت و به آرمانی جهانی برای متفکران سیاسی و دانشمندان اجتماعی مبدل شد. (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۱)

به نظر نگارنده، این نظریه به واقعیت عینی نزدیک است؛ به این معنا که به طور معمول، انقلاب‌ها توسط توده‌های عادی مردم انجام می‌شوند و متضرر اصلی مردم هستند، ولی قدرت توسط افراد دیگری مصادره می‌شود و عده‌ای که هیچ ارتباطی با ملت ندارند و قربانی نداده‌اند، موج‌سواری کرده قدرت را قبضه می‌کنند. در ادامه، به مرور در میان توده مردم این تفکر پیدا می‌شود که زحمات انقلاب بر دوش ما بود، ولی سود آن به جیب دیگران سرازیر شد؛ نه تنها هیچ تغییری در وضعیت زندگی ما به وجود نیامد که بدتر هم شد. این گونه است که به تدریج زمینه طرح حق و حقوق مردم توسط موج‌سواران دیگری که به قدرت نرسیده‌اند، ایجاد شده و مباحث حقوق شهروندان نیز به وجود می‌آید.

مفهوم و محتوای حقوق شهروندی به صورت حداقلی دارای سابقه بسیار طولانی بوده و در نظام‌های حقوقی دنیا وجود داشته است. برای نمونه، در روم قدیم برای شهروندان، امتیازات و حقوقی وجود داشته است که خارجی‌ها و بردگان از آن محروم بودند. (الزیندی، ۱۴۲۶: ۹) در میان اعراب قبل از اسلام و حتی در جامعه صدر اسلام نیز به جهت تبعیت از رسومات جاهلی، حقوق و امتیازاتی وجود داشته است که موالیان و اقوام غیر عرب از آن محروم بوده‌اند؛ هرچند از دیدگاه اسلام بین عرب و عجم و سفید و سیاه تفاوتی وجود نداشته و همه از حقوق مساوی برخوردارند. برخی دانشمندان مسلمان، تمام حقوق شهروندی را برگرفته از آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ يَعُظُّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (بقره: ۹۰)^۱ و تمام قرآن کریم را تفسیر همین یک آیه

۱. خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید.

می‌دانند. (الغنوشی) توضیح این که چگونه تمام حقوق شهروندی در این آیه جمع شده است، در ادامه خواهد آمد.

حقوق شهروندی (Citizenship rights) در نگاه حقوق‌دانان، بر وضعیتی اطلاق می‌شود که یک شخص به جهت اینکه عضو یک جامعه سیاسی است و رابطه طرفینی با دولت دارد دارای حقوق و تکالیفی در آن جامعه است و شهروندی از اقامت صرف جدا می‌شود. (Faulks, ۲۰۰۲: ۷۳) برخی از دانشمندان علم حقوق، به نقل از ماده ۳۴ قانون جزای فرانسه، حقوق شهروندی را مخصوص اتباع یک کشور دانسته‌اند که در ارتباط با مؤسسات عمومی از قبیل حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق شدن است؛ بنابراین، واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است. (لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۷۳۰) به هر حال، منظور از آن کلیه امتیازات مدنی، سیاسی و اجتماعی است که در صورت نبود آن‌ها شخصیت شهروند شکل نمی‌گیرد و یک فرد، به جهت اینکه عضو یک جامعه و تبعه یک نظام سیاسی است، از آن برخوردار می‌گردد.

با توجه به کاربرد عنوان حقوق شهروندی در سخن دانشمندان حقوق، به دست می‌آید که این عنوان از لحاظ نِسب اربع، عام‌تر از عناوین دیگری است که به حقوق اضافه می‌شود؛ برای نمونه، اعم از حقوق بشر و حقوق سیاسی است، به جهت اینکه حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است. همچنین حقوق شهروندی، حق رفاه اقتصادی، مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی، داشتن حداقل سطح دستمزد و... همه را در بر می‌گیرد، درحالی‌که این موارد مشمول حقوق بشر و حقوق سیاسی نیست.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، حقوق شهروندی سه ویژگی دارد که برخی از نویسندگان نیز به این ویژگی‌ها اشاره نموده (فوزی، ۲۰۰۷: ۹) و برخی دیگر به آن تصریح داشته‌اند. (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۳)

أ) یک شهروند عضو جامعه سیاسی است که از طریق تابعیت حاصل شده است؛





ب) حقوق شهروندی، بیشتر مشتمل بر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است؛

ج) یک شهروند در مقابل حقوق شهروندی، تکالیف و مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد.

با وجود اینکه کد جزای افغانستان، که مهم‌ترین سند تقنینی بوده و در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسیده است، باید به عنوان «حقوق شهروندی» در این قانون مورد توجه بیشتر قرار می‌گرفت و نقض آن جرم‌انگاری می‌شد، ولی به‌طور شفاف و صریح به این عنوان پرداخته نشده است و فقط به برخی از مصادیق حقوق شهروندی اشاره شده است.

برای نمونه، ماده ۳ کد جزا هنگامی که اهداف این قانون را برمی‌شمارد، در بند ۳ تأمین عدالت جزایی مطرح می‌شود که مهم‌ترین حق از حقوق شهروندی است و در بند ۷ رعایت حقوق بشر و تضمین آزادی‌های افراد، از اهداف این قانون بیان می‌شود که بخشی از حقوق شهروندی است. همچنین در بند ۸ تأمین مصونیت ملکیت‌های مادی و معنوی به‌عنوان هدف مطرح است که بخش دیگری از حقوق شهروندان است. در قانون اساسی افغانستان نیز هرچند عنوان حقوق شهروندی نیامده است، ولی این قانون مشتمل بر مصادیق حقوق شهروندی است که در جای خود مورد اشاره قرار گرفته است.

۳. رابطه منطقی بین حقوق شهروندی و حقوق بشر

دو پسوند «شهروند» و «بشر» موجب می‌شود که دو نوع حقوق مد نظر باشد. هرچند پیوندهای زیادی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی وجود دارد و حتی در بسیاری از موارد با یکدیگر همپوشانی دارند و انگشت روی هر مصداقی از حقوق بشر گذاشته شود، مشاهده می‌شود که مصداقی از حقوق شهروندی نیز هست، ولی همپوشانی این دو نوع حقوق موجب نمی‌شود که رابطه تساوی داشته باشند، بلکه رابطه این دو نوع حقوق، رابطه عام و خاص مطلق است، اما نه آن عام و خاص مطلق که مقصود برخی از نویسندگان است که حقوق بشر را عام گرفته و حقوق

شهروندی را خاص می‌دانند (منصورنژاد، ۱۳۹۲: ۴۷)، بلکه بر عکس، حقوق شهروندی عام و حقوق بشر خاص است. شاید نویسنده محترم توجه ویژه‌ای به رابطه منطقی نداشته و تنها نگاهش به این امر معطوف بوده است که حقوق بشر برای کلیه افراد بشر است و در آن تابعیت و خارجی بودن نقش ندارد، ولی حقوق شهروندی مخصوص افرادی است که تابعیت کشور خاصی را دارند! عجیب آنکه این مطلب را مستند به مصاحبه «دکتر اردشیر ارجمند»، صاحب کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو نموده است. (همان) عجیب‌تر اینکه وی بر عام بودن حقوق بشر و خاص بودن حقوق شهروندی، چنین استدلال می‌کند که بخش عمده‌ای از حقوق شهروندی همان حقوق بشر است که ظرف اجرایی پیدا نموده است. (همان)

واقع آن است که این استدلال، خلاف آنچه نویسنده و دکتر ارجمند گفته است، دلالت دارد، زیرا به کارگیری عبارت «بخش عمده»، به این معناست که بخش دیگری از حقوق شهروندی مشمول حقوق بشر نیست و ازای رو، رابطه عام و خاص میان این دو مفهوم، آن گونه که ادعا نموده‌اند، وجود ندارد، بلکه رابطه این دو مفهوم همان رابطه عام و خاص است، اما حقوق بشر خاص و حقوق شهروندی عام است.

باید دانست که عام و خاص بودن، به این نیست که این حقوق برای چه کسانی وضع شده‌اند و میزان جمعیت استفاده کننده از این حقوق چه مقدار است؟ اگر منظور چنین باشد، موجب می‌شود که حقوق چین به جهت اینکه برای جمعیت بیش از یک میلیارد نفر وضع شده‌اند، عام‌تر از حقوق دیگر کشورها باشند، بلکه منظور از عام و خاص بودن، دامنه و گستره شمول دو مفهوم حقوق بشر و حقوق شهروندی از حیث مصادیق است، به این معنا که حقوق شهروندی شامل چه گزینه‌ها و چه مصادیقی از حقوق است؟ آیا برای نمونه، حقوق بشر نیز شامل همان حقوق می‌شود و آیا همپوشانی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا مفهوم حقوق شهروندی شامل آن ۳۰ موردی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، می‌شود یا خیر؟ از باب نمونه، اولین ماده حقوق بشر در مورد آزادی افراد است؛ آیا حقوق شهروندی نیز که به طور معمول در قوانین اساسی ذکر می‌شوند، شامل حق آزادی می‌شوند؟





به نظر نگارنده، حقی از حقوق بشر وجود ندارد که مفهوم حقوق شهروندی شامل آن نشود، اما در مقابل، موارد زیادی از حقوق شهروندی نظیر حق رأی، حق کاندید شدن برای ریاست جمهوری و نمایندگی پارلمان و شورای شهر، مشارکت در دولت، داشتن محیط زیست سالم، حق صلح و ده‌ها مورد دیگر وجود دارد که مشمول حقوق بشر نمی‌شود. نمونه دیگر آنکه، یک فرد مهاجر در یک کشور دیگر ممکن است از حقوق بشری برخوردار باشد که کلیه اتباع آن کشور نیز از آن برخوردارند، ولی همان شخص مهاجر ممکن است هیچ حقی از حقوق شهروندی را نداشته باشد، درحالی‌که تمام اتباع آن کشور از آن بهره‌مند هستند؛ بنابراین، حقوق شهروندی اعم از حقوق بشر است.

در میان نویسندگان و حقوق‌دانان کمتر کسی به رابطه منطقی این دو مفهوم پرداخته‌اند و تنها اشاراتی در برخی نگاشته‌ها وجود دارد. دکتر نجفی ابرندآبادی معتقد است که مفهوم حقوق شهروندی دربردارنده رعایت موازین حقوق بشری مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی نسبت به مردم است. (ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۳۸۸) این تعبیر با این فرض تناسب دارد که حقوق شهروندی عام‌تر از حقوق بشر است.

همچنین آنچه را برخی نویسندگان به عنوان تفاوت‌های دیگر این دو مفهوم با هم، بیان کرده‌اند خالی از اشتباه نیست. شماری از محققان گفته‌اند تفاوت دو نوع حقوق در این است که حقوق بشر به مطالبات آدمیان پرداخته و در حقوق شهروندی هم سخن از مطالبات است و هم از مسؤلیت‌ها و تکالیف، و یا اینکه حقوق بشر به طور مطلق و بدون ملاحظه هیچ قیدی، مربوط به انسان بوده و قابل سلب نیست، درحالی‌که حقوق شهروندی مستلزم رابطه فرد با یک دولت سیاسی است و ممکن است به دلایل ارتکاب جرم و نوع تابعیت حذف و یا محدود گردد. بعضی نیز برآن‌اند که مفهوم حقوق بشر، مدرن و جدید است و در دو سه قرن اخیر رایج گردیده است، درحالی‌که مفهوم حقوق شهروندی سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد. (منصورنژاد، ۱۳۹۲: ۴۷)

یکی از پاسخ‌های اجمالی آن است که حق آزادی اولین حق از حقوق بشری است؛ اگر تفاوت‌ها صحیح باشد، حق آزادی نباید موجب تکلیف باشد، ولی برخی گفته‌اند که آزادی حق نیست، بلکه تکلیفی است که متوجه دیگران است. (ورعی، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

نگارنده معتقد است که تفاوت اصلی این دو نوع حقوق در نوع نگرش به صاحبان این حقوق است. با وجود همپوشانی در بسیاری از موارد، از جمله حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی، نگاه‌های متفاوت به صاحبان حقوق است که آن دو نوع را از هم تفکیک می‌کند. اگر نگرش ما به صاحبان حقوق این باشد که آنان به عنوان اینکه بشر و انسان هستند، دارای چه حقوقی هستند؟ هر حقی که برای آنان در نظر گرفته شود، جزو حقوق بشر است، هرچند ممکن است برای آنان حداقل حقوق اثبات شود، ولی اگر نگرش ما به صاحبان حقوق این باشد که آنان تبعه کشور خاص هستند و رابطه طرفینی بین آنان و این کشور وجود دارد، حقوق و تکالیفی که برای آنان در نظر گرفته می‌شود، حقوق شهروندی است.

تفاوت دیگری که میان حقوق بشر و حقوق شهروندی وجود دارد، در تعداد این حقوق است. حقوقی که به عنوان حقوق بشر توسط مجامع بین‌المللی و یا ادیان تعیین شده است، برای حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ مال، صحت و دانش بشریت بوده و تعداد آن‌ها بنا بر اعلامیه جهانی حقوق بشر به ۳۰ مورد می‌رسد (سایت رسمی سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱ م.)، ولی حقوق شهروندی علاوه بر مصادیق حقوق بشر که به حقوق طبیعی افراد نظر دارد، شامل حقوق مدنی و سیاسی شهروندان نیز می‌شود که در میثاق بین‌المللی حقوق شهروندی و سیاسی تذکر داده شده است. (همان)

برخی محققان معاصر که مطالعات نسبی در این خصوص داشته‌اند، ضمن مقایسه حقوق شهروندی و حقوق بشر با «حقوق وضعی» و «حقوق طبیعی»، معتقدند که حقوق شهروندی بر حقوق بشر بنا شده است. به این معنا که حقوق بشر «حقوق حداقلی» انسان بوده و حقوق شهروندی «حقوق حداکثری» و تفصیلی و تشریح حقوق حداقلی است. هیچ قدرتی اعم از دولت و مذهب نمی‌تواند حقوق





بشری را از مردم سلب نماید و سلب این حقوق، علامت نامشروع بودن آن قدرت است، ولی حقوق شهروندی، به سبب رعایت مصالح و منافع عمومی افراد جامعه می‌تواند محدود و یا به طور موقت سلب گردد. از طرف دیگر، تنها اعتراض قابل پیگیری و رسیدگی در جامعه مدنی نسبت به حقوق بشری است که جزو صلاحیت‌های دیدبان حقوق بشر است، ولی حقوق شهروندی اگر با رعایت مصالح عمومی سلب شود، قابل پیگیری نیست. (جاوید، ۱۳۹۵: ۱۰)

باید توجه داشت که تفاوت حداقلی و حداکثری، تفاوت اساسی و ماهوی بین دو مفهوم ایجاد نخواهد کرد و در حقیقت نظریه نگارنده را تأیید می‌کند که حقوق شهروندی مفهومی گسترده‌تر از مفهوم حقوق بشر دارد. از سوی دیگر، نظر اخیر به سبب اینکه حقوق بشر مطرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصلاً «حقوق حداقلی» نیست و در بسیاری موارد حقوق حداکثری در آن مطرح شده است، چندان کارشناسی شده بیان نشده است. این گونه نیست که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفهوم کلی آزادی مطرح باشد، بلکه آزادی رفت و آمد، آزادی بیان، آزادی شغل و اموری از این قبیل مطرح است. اگر منظور محقق محترم از «حقوق حداقلی» بودن حقوق بشر همان باشد که تصریح فرموده است: «مسکن، خوردن، آشامیدن، آرمیدن، کارکردن، تشکیل خانواده، جمع شدن و...» (جاوید، ۱۳۹۵: ۱۰)، ردیف کردن مفاهیم، مجمل و بی‌معنا خواهند شد که فقط وجود ذهنی خواهند داشت و نتیجه این تفکر آن خواهد بود که حقوق بشر در عالم خارج مصداقی نخواهد داشت، زیرا برای نمونه، اگر منظور از مسکن، داشتن آن در محل خاصی باشد، بنا به نظر پیش‌گفته، «مسکن» از مقوله حقوق شهروندی خواهد شد، نه مقوله حقوق بشر. به این ترتیب، سایر مفاهیم دیگر نیز از مقوله حقوق بشری خارج و در مقوله حقوق شهروندی داخل می‌شوند.

نکته دیگر آن است که این گونه نیست که حقوق بشر توسط هیچ قدرتی قابل سلب نباشد، بلکه همان گونه که اگر منافع عالی و عمومی اقتضا کند، حقوق شهروندی تحدید می‌شود، حقوق بشری نیز سلب یا تحدید می‌شود و نمونه‌های آن با اندک تأملی به ذهن افراد خواهد رسید. همچنین چنان که گذشت، حقوق شهروندی مانند

بسیاری از مفاهیم علمی و اجتماعی به مرور مفهوم گسترده‌ای یافته و در ابتدا معنای اولیه و محدود داشته‌اند؛ حقوق شهروندی نیز در شمار همین دسته مفاهیم قرار می‌گیرد که در ابتدای پیدایش خود معنایی معادل حقوق بشر داشته و به مرور از وسعت بیشتری برخوردار شده است. همیشه این گونه نیست که حقوق شهروندی نسبت به مردم به جهت میزان وفاداری آنان در نوسان باشد و حقوق بشر نسبت به همه دارای ثبات و یکسانی باشد (جاوید، ۱۳۹۵: ۱۲)، چرا که قوانین کشورها بر اینکه همه در برابر قانون مساوی بوده و هیچ نوسانی وجود ندارد، صراحت دارند؛ با اینکه محتوای قوانین مشتمل بر مفاهیم و موضوعاتی است که با حقوق شهروندی مرتبط است.

برخی از نویسندگان، به جهت عدم دقت کافی، تفاوت دو نوع حقوق را در هدف و مبنا دانسته و هدف حقوق شهروندی را تعیین حق سرنوشت و تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع و مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود دانسته و در مورد حقوق بشر نوشته‌اند که ریشه در سرشت هنجاری داشته و برخاسته از ارزش‌های اخلاقی بوده و ماهیت این گونه حقوق فردی است و مبنای حقوق بشری، کرامت ذاتی انسان است و موجب می‌شود تا جنبه بین‌المللی و فرامرزی پیدا نماید، در حالی که مبنای حقوق شهروندی تابعیت و ارتباط دو سویه میان دولت و ملت است. (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۲)

به نظر می‌رسد، نمی‌توان هدف و مبنا را تفاوت اصلی حقوق بشری و حقوق شهروندی دانست، زیرا رعایت هر حقی از حقوق بشری و برخورداری یک شخص از آن نیز تأثیر شگرفی در تعیین سرنوشت یک شخص و حتی یک جمع دارد و عدم رعایت آن‌ها نیز در بیچارگی و بدبختی یک انسان تأثیر عمیقی دارد. از سوی دیگر، بسیاری از حقوق شهروندی مانند حق داشتن محیط زیست سالم و حق دادرسی منصفانه و حق حریم خصوصی، هیچ ارتباطی با تعیین حق سرنوشت ندارد؛ کافی است نگاهی به منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران انداخته شود تا ملاحظه گردد که قسمت اعظم آن‌ها ارتباطی با تعیین سرنوشت ندارند.





همچنین از بیانات گذشته روشن می‌شود که اگر تفاوت آن دو نوع حقوق را در این بدانیم که ماهیت حقوق بشری، ماهیتی فردی و ماهیت حقوق شهروندی، اجتماعی است، (جاوید، ۱۳۹۵: ۳۲) باز هم چندان دقیق نیست، زیرا نگاه اجمالی به مصادیق حقوق شهروندی مشخص می‌کند که بسیاری از آن‌ها مانند حق دسترسی به دادرسی منصفانه و حق دسترسی به بهداشت سالم، ماهیتی اجتماعی ندارند و هیچ تفاوتی بین این حقوق و حقوق بشری نیست. از سوی دیگر، همه آنچه به عنوان حقوق بشر مطرح است، این گونه نیست که ماهیت فردی داشته باشند.

نتیجه اینکه می‌توان استنباط نمود که رابطه منطقی میان این دو نوع حقوق رابطه اعم و اخص مطلق است؛ به این معنا که هر «حقوق بشر» جزو «حقوق شهروندی» نیز هست، مشروط به اینکه در قوانین مربوطه داخلی در نظر گرفته شده باشد، ولی هر حقوق شهروندی جزو حقوق بشر نیست و حقوق شهروندی اعم از حقوق بشر است. با این توضیح که همه مصادیق حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی مطرح هستند، به همان ترتیب در قوانین داخلی کشورها برای عموم شهروندان مطرح شده و جزو حقوق شهروندی به حساب می‌آیند.

مطلب مهم دیگری که در مبحث حقوق شهروندی و حقوق بشری باید بدان اشاره شود، آن است که حقوق بشری به طور مساوی برای همه افراد بشر وجود دارد؛ به جهت این که همه در وصف بشریت مساوی هستند و نمی‌توان گفت که فلانی نسبت به دیگری بشرتر است، اما حقوق شهروندی به جهت ارتباطی که با تابعیت دارد، می‌تواند تشکیکی باشد. به این معنا که تابعیت بر مبنای میزان صلاحیت و وفاداری فرد، قابل تشکیک است و یک نظام ممکن است شرایط خاصی را برای احراز حقوق شهروندی کامل در نظر گرفته باشد. از این رو، برای نمونه، در مورد شرایط ریاست جمهوری ممکن است شرط سنی، علمی، حتی تولد از والدین غیر خارجی، تابعیت اصلی و... مطرح باشد؛ در عین حال موجب تفاوت ماهوی بین حقوق بشری و حقوق شهروندی نیست، هر چند برخی از نویسندگان به این جنبه از تفاوت نیز اشاره کرده‌اند. (جاوید، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

۴. کووید ۱۹ و نقض نسل‌های مختلف حقوق شهروندی

همان‌گونه که در مبحث رابطه منطقی میان حقوق بشر و حقوق شهروندی گذشت، رابطه بین این دو مفهوم، عام و خاص مطلق است و هر حقی که حقوق بشر بر آن صادق باشد، حقوق شهروندی نیز بر آن صادق است. به همین جهت، نسل‌های متفاوت حقوق بشر همان نسل‌های متفاوت حقوق شهروندی هستند.

توماس هامفری مارشال،^۱ جامعه‌شناس انگلیسی، نخستین کسی است که حقوق شهروندی را به سه نوع تقسیم‌بندی می‌کند. نخست حقوق مدنی، که شامل آزادی‌های فردی از قبیل آزادی بیان، آزادی عقیده، حق داشتن مالکیت، حق انعقاد نمودن قرارداد و حق برخورداری از عدالت می‌شود. نوع دوم حقوق سیاسی است که شامل مشارکت در قدرت سیاسی به‌عنوان کاندید یا به‌عنوان رأی‌دهنده شده، و سومین نوع، حقوق اجتماعی است که گستره وسیعی از حقوق شهروندان به سان حق دسترسی به رفاه اقتصادی حداقلی، حق امنیت و حق زندگی مطابق عرف حاکم بر جامعه را دربرمی‌گیرد. به نظر وی این حقوق، طی ۲۵۰ سال اخیر در رژیم‌های دموکراتیک که بیشترشان در غرب هستند، سیر تاریخی مختلفی را پشت سر گذاشته است. (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۴۱)

پس از وی بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی، حقوق شهروندی را در همین سه عنوان کلی قرار داده‌اند و برای آن‌ها مصادیقی را ذکر نموده‌اند. (الخوالده، ۲۰۱۶م: ۴۵) تنها برخی از نویسندگان این تقسیم‌بندی را از جهت نسل، دسته‌بندی و تفکیک نموده و حقوق مدنی و سیاسی را نسل اول حقوق شهروندی نامیده و حقوق اجتماعی و فرهنگی را نسل دوم حقوق شهروندی خوانده‌اند. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۶۴)

حقوق نسبت به محیط‌زیست و امثال آن نیز نسل سوم حقوق شهروندی خوانده شده است و اخیراً کتاب مستقلی نیز در زمینه نسل سوم حقوق شهروندی نوشته شده است که به بررسی حق استفاده از ثروت‌های ملی، حق خودمختاری، حق

۱ - Thomas Humphrey Marshall.





صلح، حق محیط‌زیست سالم، حق زندگی صلح‌آمیز و... پرداخته است. (فتحی، ۱۳۹۹) برخی محققان عرب، مهم‌ترین حقوق شهروندی را بدون اینکه تعبیر به نسل باشد و یا در سه یا چهار دسته‌بندی کلی قرار دهد، در ۱۷ عنوان قرار داده‌اند (الخوالده، ۲۰۱۶م: ۴۸) که نشان‌دهنده این است که یا برای آنان دسته‌بندی حقوق شهروندی در چهار نسل ارزش نداشته و یا اینکه توجه چندانی به این تقسیم‌بندی نداشته‌اند.

۱.۴. کرونا و نقض حقوق مدنی و سیاسی یا نسل اول حقوق شهروندی

نخستین نسل از حقوق شهروندی، بیشتر به سلبی بودن آن معروف است؛ (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰) به این معنا که دولت‌ها در قبال اجرای این حقوق نباید مانع ایجاد کنند و نیازی نیست که دولت‌ها چیزی را در اختیار شهروندان قرار دهند، بلکه اگر در مقابل این حقوق مانع ایجاد نکنند، این حقوق خودبه‌خود به صاحبان آن می‌رسد. برای نمونه، یکی از این حقوق، حق آزادی است؛ اگر دولت‌ها برای انواع آزادی محدودیت و مانع ایجاد نکنند، این حق رعایت شده است و به صاحبان آن رسیده است.

این نسل، در میان نسل‌های مختلف حقوق شهروندی از اهمیت بالایی برخوردار است و در حقیقت ریشه همه حقوق شهروندی محسوب گردیده (الکواری، ۲۰۰۱م: ۱) و حتی از برخی اظهارنظرها چنین استنباط می‌شود که از اطلاق حقوق شهروندی، بیشتر حقوق سیاسی و مدنی یا همان نسل اول حقوق شهروندی به اذهان جامعه تبادر می‌کند و اذهان عمومی نیز به این نوع حقوق انصراف دارد. برخی از مصادیق نسل اول حقوق شهروندی عبارت است از:

۱. حق مشارکت؛
۲. حق آزادی؛
۳. حق دسترسی به اطلاعات؛
۴. حق دادرسی منصفانه؛
۵. حق حریم خصوصی. (الکواری، ۲۰۰۱م: ۵)



در آغاز شیوع بیماری کرونا در کشور افغانستان، دولت این کشور به جهت جلوگیری از کرونا در مورخ ۵ اسفند ۱۳۹۸، کلیه مرزهای زمینی خود را با جمهوری اسلامی ایران بست و حتی مانع ورود اتباع خودش به داخل کشور افغانستان شد و همین طور در مورخ ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ دوباره به جهت جلوگیری از موج جدید کرونا، مرز اسلام قلعه را به روی اتباع خود بست و از ورود آنان به کشور جلوگیری نمود. (خبرگزاری بی بی سی، ۱۴۰۰)

این کار دولت، نمونه‌ای از نقض حقوق شهروندی به شمار می‌رود. دولت افغانستان با این کار در حقیقت مرز را به روی شهروندان خود بسته است و از ورود آنان به کشورشان جلوگیری می‌کند و به موجب مواد ۲۴ و ۳۹ قانون اساسی که آزادی و حق مسافرت اتباع را به رسمیت شناخته است، مرتکب جرم نقض حقوق شهروندی می‌شود. از این رو، تصمیم دولت خلاف مواد ۲۴ و ۳۹ قانون اساسی بوده و نقض حقوق شهروندی است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آن است که افغانستان نباید خود را با سایر همسایه‌های ایران مقایسه می‌کرد، زیرا آنان مانند کشور افغانستان در ایران سه میلیون مهاجر ندارند. همان‌گونه که اشاره شد، ماده ۲۴ قانون اساسی، برای آزادی اتباع هیچ حد و مرزی قائل نیست، جز اینکه آزادی دیگران محدود شود و یا خلاف مصالح علیای کشور باشد که مربوط به استقلال سیاسی و اقتصادی و امنیت کشور است، در حالی که در مورد کرونا هیچ یک از دو شرط وجود ندارد. حتی یک شهروند مریض هم حق دارد به کشور خودش مراجعت نماید و هیچ کشور دیگری مکلف نیست از شهروندان مریض افغانستان، نگهداری کند.

حق دسترسی به اطلاعات، یکی دیگر از حقوق مهم شهروندی از نوع نسل اول است که در بسیاری از کشورها از جمله افغانستان در جریان بیماری کرونا نقض شده است. عدم اطلاع‌رسانی دولت در این خصوص از جهاتی قابل توجه است:

۱. در کشوری که اکثریت مردم نه توان رعایت بهداشت را دارند و نه بهداشت را می‌دانند و رعایت بهداشت در تمام شهرهای افغانستان از جمله شهر کابل در حد صفر است، چرا آمار مبتلایان به کرونا محدود به ۱۰۲۶ و تلفات کرونا تا این



لحظه (۱۳۹۹/۱۲/۲۶) محدود به ۳۶ نفر باشد در حالی که در کشورهای پیشرفته آمار بسیار بالاتری وجود دارد؟ (خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۸)

برخی از مسئولان دولتی افغانستان خود به این قضیه اذعان کرده اند که با توجه به اینکه اقدامات حکومت افغانستان برای مبارزه با ویروس کرونا کافی نبوده و امکانات بهداشتی و درمانی افغانستان ناچیز است، احتمال دارد که آمار تلفات ویروس کرونا در افغانستان بیشتر از ایران باشد. (همان)

از طرف دیگر، دولت افغانستان، آمار مبتلایان به این ویروس را بر اساس کسانی می داند که در بیمارستان های کشور بستری و تحت درمان هستند و آمار تلفات نیز بر اساس مرگ و میر از همین افرادی است که در بیمارستان ها بستری هستند. با این وصف، بسیار طبیعی است که هم آمار مبتلایان اندک باشد و هم آمار مرگ و میر. در حالی که در افغانستان، مردم این کشور به بیمارستان ها اعتماد نداشته و معتقدند که اگر مبتلا به کرونا هم نشده باشند، با بستری شدن در آنجا به طور قطع مبتلا خواهند شد. از این جهت بوده است که در بسیاری از گزارشات رسانه ای آمده بود که بیماران کرونایی از بیمارستان های افغانستان فرار کرده اند. (خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۸)

همین امر موجب شده بود که نمایندگان پارلمان افغانستان نیز وزیر صحت این کشور را در پارلمان احضار نموده و آمار کم مبتلایان را «دروغ» بدانند و دولت را به پنهان کاری اطلاعات از شهروندان، متهم نمایند. (خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۸)

۲. دولت افغانستان متأسفانه به سبب فساد اداری هرگز نتوانسته است به مردم خود درباره کرونا و پیامدهای آن اطلاع رسانی کند و شهروندان کشور تبلیغات دولتی بسیار اندکی را در بنرها، اعلامیه ها و برنامه های رادیو و تلویزیونی می بینند.

حق دادرسی منصفانه، یکی دیگر از حقوق شهروندان است که متأسفانه در ارتباط با کرونا به شدت نقض می شود. دولت دستور داده است تا به جهت مصونیت مردم از سرایت کرونا، هرگونه تجمع از جمله نمازهای جمعه و جماعت و مراسم عروسی و ترحیم تعطیل باشد، ولی اشخاصی وجود دارند که با وجود ممنوعیت دولتی از



برگزاری هرگونه مراسم، هیچ برخوردی از سوی دولت صورت نگرفته است و نه تنها تا کنون (۱۳۹۹/۲/۳) نماز جمعه خود را تعطیل نکرده‌اند که در خطبه‌های نماز جمعه خود (مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۲۰)، ویروس کرونا را برای مؤمنان رحمت الهی و برای کافران عذاب می‌خوانند. (خبرگزاری افغان پرس، ۱۳۹۹) این در حالی است که چنین تجمعاتی موجب سرایت بیماری کروناست و کسی که خلاف دستور دولت، تجمعی را برگزار نماید و موجبات سرایت مرض کرونا را فراهم نماید، مرتکب جرم شده است. مطابق فقره ۱ ماده ۵۴۶ کد جزای افغانستان که در تعریف قتل عمد بیان داشته است: «قتل عمد عبارت است از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل»، ممکن است چنین شخصی، در صورتی که مرتکب سرایت مرض کرونا شده باشد، مرتکب قتل عمد نیز شده باشد. ولی دولت، به ویژه دستگاه قضایی در این ارتباط هیچ اقدامی صورت نداده و عدالت قضایی را که از حقوق شهروندان است، در این گونه موارد نقض کرده است و برخورد قضایی فقط با افراد پایین دست جامعه صورت می‌گیرد.

حق مالکیت، یکی از حقوق شهروندان است که به موجب قوانین داخلی و بین‌المللی برای شهروندان به رسمیت شناخته شده است. متأسفانه در این روزها والی (استاندار) کابل این حق شهروندی را زیر پا گذاشته و اعلام نموده است که صاحبان املاک (خانه‌ها و مغازه‌ها) نباید از مستأجران کرایه بگیرند و مستأجران نسبت به پرداخت کرایه ملزم نیستند و حتی می‌توانند در صورت درخواست کرایه از سوی صاحبان املاک، به دفتر والی کابل شکایت نمایند. (خبرگزاری العربیه، ۱۳۹۹)

والی کابل گفته است که در شرایط بحرانی مثل ویروس کرونا، مستأجران، از نظر قانونی مکلف به پرداخت کرایه نیستند و اگر مالکان بخواهند کرایه املاک خود را بگیرند با آن‌ها مطابق قانون برخورد خواهد شد. (همان) در این قضیه علاوه بر نقض حق مالکیت، حق دادرسی منصفانه نیز نقض شده است و همچنین به جای ارجاع مردم به دادگاه‌ها، به دفتر استاندار کابل ارجاع داده می‌شوند، درحالی که مطابق با قانون اساسی، تعریف جرم جدید و مجازات جدید، از وظایف پارلمان است. هر



چند بر اساس ماده ۷۶ قانون اساسی افغانستان، حکومت برای تطبیق قوانین و اجرای سیاست کشور و تنظیم وظایف خود و ایجاد نظم عمومی، مقرراتی را وضع و تصویب می‌کند، ولی باید مراقب بود که این مقررات به هیچ وجه نباید ناقض حقوق شهروندی بوده و نص یا روح قانون را نقض کند.

بنیان‌های حقوقی ایجاب می‌کند که نتیجه مقررات دولتی نباید جرم جدیدی را معرفی کند و یا مجازات جدیدی را برای مجرمین ایجاد نماید، زیرا ایجاد جرم و جزا در صلاحیت پارلمان هر کشور است. از سوی دیگر، به خلاف ماده ۲۷ قانون اساسی است که تصریح بر آن دارد که هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانون، و قانون مطابق با ماده ۹۴ همان قانون، مصوبه هر دو مجلس (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) است.

محمد یعقوب حیدری، والی کابل که همزمان مسئولیت کمیته اضطراری جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در این ولایت را نیز بر عهده دارد، به خلاف قواعد و اصول مسلم حقوقی و بر خلاف قانون اساسی و بر خلاف حقوق شهروندی دادرسی منصفانه، به جای پارلمان به جرم‌انگاری و تعریف مجازات‌های جدید پرداخته و دستور داده است کسانی که محدودیت رفت و آمد را نقض کنند، به اتهام انتقال امراض ساری و ایجاد خطر برای دیگران با جریمه نقدی (حداقل ۱۸ هزار افغانی معادل حدود ۲۴۰ دلار) و حتی زندان مجازات گردند. (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۹) این در حالی است که هرگز از سوی پارلمان چنین صلاحیتی به والی کابل داده نشده است.

۲.۴. کرونا و نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این نسل از حقوق شهروندی به خلاف نسل اول بیشتر جنبه اثباتی دارد؛ یعنی دولت‌ها باید برای شهروندانش کاری را انجام دهند و تنها با مانع ایجاد نکردن، حق به صاحبانش نمی‌رسد. در این نوع حقوق شهروندی، شهروندان انتظار دارند که خیری از دولت به آن‌ها برسد و کار ایجابی صورت گیرد. برخی از حقوق شهروندی در این نسل عبارت‌اند از:

۱. حق کار و اشتغال؛

۲. حق آموزش؛

۳. حق رفاه و سلامتی و تأمین اجتماعی؛

۴. حق مشارکت فرهنگی.

در نسل دوم حقوق شهروندی دولت‌ها مکلف هستند که زمینه‌های فعالیت‌های اقتصادی، رفاه حداقلی و بیمه درمانی و مشارکت آنان را در دولت و انواع فعالیت‌های سیاسی، مدنی، فرهنگی و اجتماعی فراهم کنند. بخشی از این حقوق نیز در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی ذکر شده است.

حق رفاه و سلامتی و تأمین اجتماعی یکی از حقوق شهروندی مربوط به نسل دوم حقوق شهروندان است و متأسفانه در افغانستان به دلیل فساد اداری، همیشه و به ویژه در شرایط کرونایی نقض شده است. هیچ‌گونه رفاه و سلامتی در ارتباط با کرونا انجام نشده است و تمام اقدامات دولت، قرنطینه نمودن مردم فقیر و بدبخت است که مشکل نان خشک دارند و دولت در شهر کابل، در یک اقدام مضحک، چهار کیلو گندم را در میان شماری از خانواده‌ها در برخی از مناطق شهر توزیع کرده است. بسیاری از مردم توان خرید لوازم ضد عفونی کننده و ماسک را ندارند و دولت در این خصوص هیچ اقدامی صورت نداده است.

به همین جهت است که با توجه به اقدامات نسنجیده دولت در مهار کرونا، مردم افغانستان در برخی از شهرهای مختلف، به تنگ آمده و علیه فقر و بیکاری ناشی از قرنطینه، دست به تظاهرات و اعتراض می‌زنند. (خبرگزاری آواپرس، ۱۳۹۹) ممکن است دولت در اقدامات خود در مهار کرونا که منجر به فقر و بیکاری شده است، تعمدی نداشته باشد، ولی یک دولت باید کلیه تصمیمات خود را مطابق راهنمایی و مشورت کارشناسان انجام دهد و نباید تصمیمات وی به صورت ساده لوحی، جهالت، اهمال، بی‌مبالاتی و بدون احتیاط لازم باشد. در غیر این صورت حداقل





مطابق کد جزای افغانستان خطای جزایی محسوب می‌شود که جرم است و مجازات در پی دارد.

دانشمندان حقوق جزا در مبحث قتل خطا، معتقدند که خطای جرمی ناشی از ساده لوحی، جهالت، اهمال، بی‌مبالاتی و یا واگذاری امور به قضا و قدر است و مرتکب فعلی را انجام می‌دهد که نه قصد وقوع آن را بر مجنی علیه دارد و نه قصد نتیجه، ولی در عین حال احتیاط‌های لازم قانونی را انجام نداده است و قانونگذار، مرتکب را به علت بی‌احتیاطی، خطاکار و مستحق مجازات می‌داند و به آن خطای جزایی یا خطای جرمی اطلاق می‌شود. (عبدالملک، بی‌تا: ۶۷۷) مطابق ماده ۴۳ کد جزای افغانستان نیز آسیب‌های ناشی از ساده لوحی، جهالت، اهمال، بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی تشکیل دهنده خطایی جرمی است و تفاوت آن با جرایم عمدی در قصاص و عدم قصاص است.

حق سلامتی و مصونیت از بیماری‌ها، به ویژه مصونیت در برابر کرونا از دیگر حقوق مهم شهروندی است. کلیه کشورها تلاش می‌کنند تا واکسن کرونا را برای مصونیت شهروندان خود از مرض کرونا فراهم نمایند. هرچند افغانستان یک کشور فقیر است، ولی دروازه‌های دنیا برای کمک به مردم این کشور باز است. با این که مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار فقط از سوی بانک توسعه آسیایی برای خرید این واکسن برای افغانستان در نظر گرفته شده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹)، ولی در عمل، مسئولین وزارت بهداشت افغانستان هیچ تلاشی در این مورد نداشته و تاکنون (دی‌ماه سال ۱۳۹۹) هیچ گونه زمانی را برای خرید واکسن کرونا و یا تزریق واکسن به افراد آسیب‌پذیر مشخص نکرده‌اند و به نظر آنان حقوق شهروندی هیچ گونه ارزشی ندارد.

وزارت بهداشت افغانستان به جای اینکه امکانات بهداشتی را برای شهروندان فراهم نماید، به شهروندان این کشور توصیه کرده است که برای جلوگیری از مرگ و میر و مشکلات جدی برای زنان حامله که نسبت به بیماری کووید ۱۹ بیشتر آسیب‌پذیر هستند، برای بچه‌دار شدن یک تا دو سال صبر کنند. (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۹) مسؤلان وزارت بهداشت توجه ندارند که این توصیه، خلاف

حقوق شهروندی است و به جای این توصیه باید تدابیری برای تهیه واکسن کرونا بیندیشند تا دیگر کسی در مقابل آن آسیب‌پذیر نباشد و یا با آسیب کمتری روبرو شود.

۳.۴. کرونا و نقض حقوق محیط‌زیست، حق توسعه و حق صلح (نسل سوم حقوق بشر)

این نوع از حقوق شهروندی که با عنوان نسل سوم حقوق نیز یاد می‌شود، حقوقی است مربوط به جامعه از آن جهت که جامعه است و عنوان دیگر این نسل از حقوق شهروندی، «حق جمعی» است. به عبارت دیگر، این نوع حقوق را نمی‌توان حق فرد دانست، بلکه این نوع از حقوق، حق جامعه بوده و اگر جامعه‌ای در کار نباشد، این حقوق به سان حق توسعه کشور، حق بر صلح در داخل و خارج و حق برخورداری از محیط‌زیست سالم نیز مطرح نخواهد شد. (راسخ، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

برای تقریب به ذهن می‌توان نظیر این نوع حقوق را در اسلام بیان کرد که برخی از اعمال عبادی تنها با تشکیل اجتماع صورت می‌گیرد؛ مانند نماز دو عید فطر و قربان، نماز جمعه و نماز تراویح (موسوعه کویته، ۱۹۹۵: ۱۳۸/۲۷) که حق اجتماع بوده و برای تک‌تک افراد چنین حقی وجود ندارد و هیچ ثوابی در نظر گرفته نشده است و اگر شخصی به تنهایی نماز جمعه بخواند، نه تنها ثواب ندارد که بدعت است. (الزحیلی، ۲۰۰۶م: ۱۲۹۵ و ۱۳۸۹)

باید دانست که این نوع حقوق، منحصر در چند مورد یادشده در عنوان نیست، بلکه شامل هرآن چیزی است که مربوط به حقوق جمعی باشد از قبیل حق استفاده از ثروت‌های ملی، حق خودمختاری، حق صلح، حق محیط‌زیست سالم و حق زندگی صلح‌آمیز. چنین حقوقی در منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱م. تحت عنوان حقوق ملت‌ها مطرح شده است. (سایت المحكمة الافریقیه لحقوق الانسان و الشعوب، ۲۰۲۱)

هرچند نقض بسیاری از این نوع حقوق شهروندی نظیر حق صلح و حق توسعه پایدار، شاید ارتباط تنگاتنگی با کرونا نداشته باشد، اما حق محیط‌زیست به جهت





اینکه پروتکل تدفین مردگان که در برخی از کشورهای دنیا وجود دارد، در افغانستان وجود ندارد، در ایام کرونا نقص می‌شود. در این باره، رییس عمومی «وقایه و کنترل امراض وزارت صحت عامه» در مصاحبه با خبرگزاری‌ها بیان داشته است که تاکنون (۱۸ فروردین ۱۳۹۹) تیم خاصی برای دفن اجساد مبتلا به ویروس کرونا ایجاد نشده است و در حقیقت برای دفن مردگان کرونایی نیازی به تدابیر خاصی نیست و آنان به شکل عادی، مطابق رسم و رواج جامعه دفن می‌شوند و از سوی دیگر، دفن جسد فرد مبتلا به کرونا در هر جایی که باشد، مشکلی را برای شهروندان ایجاد نمی‌کند و پس از دفن، خطر انتقال ویروس از جسد به دیگران وجود ندارد. (روزنامه ۸ صبح کابل، ۱۳۹۹)

این در حالی است که در کشورهای دنیا و کشورهای همسایه افغانستان از جمله ایران، پروتکلی را در مورد تدفین مردگان دارند که مطابق آن، جهت جلوگیری از انتشار آلودگی در محیط زیست و اینکه در اثر تجزیه‌ای که انجام می‌گیرد، ممکن است، ویروس خاک را آلوده کند و از خاک به آب‌های زیرزمینی انتقال یابد، قبری که برای دفن مردگان کرونایی حفر می‌شود، در مناطقی که سطح آب‌های زیرزمینی بالا نیست، باید حداقل دو متر عمق داشته باشد و اگر سطح آب بالاست، قبر باید ایزوله شده و در داخل آن آهک ریخته شود. (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۸)

همچنین دولت سریلانکا در ماه آوریل ۲۰۲۰ قوانین قرنطینه خود را تغییر داده و با صدور فرمانی اعلام کرده است که اجساد قربانیان کووید ۱۹ تنها باید سوزانده شود. به نظر دولت سریلانکا، کار بی‌خطر، سوزاندن جسد است و دفن ممکن است باعث آلودگی آب‌های زیرزمینی شود. این دستور با مخالفت اقلیت مسلمان این کشور مواجه شد که بر اساس قوانین دینی نمی‌توانند جسد را بسوزانند. به همین جهت سریلانکا از کشور مالدیو خواسته است تا اجساد شهروندان مسلمانانش در آن کشور دفن شوند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹) دولت سریلانکا ادعا نموده است که کار بی‌خطر سوزاندن جسد است و دفن ممکن است باعث آلودگی آب‌های زیرزمینی شود. (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۹)

روشن است که در اثر عدم توجه دولت افغانستان نسبت به نحوه تدفین اموات
کرونايي و عدم نظارت بر تدفین امواتی که خودسرانه دفن می‌شوند، حق بهره‌گیری
از محیط زیست سالم شهروندان نقض می‌شود.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب پیشین می‌توان دریافت که در پی شیوع کرونا، دولت
افغانستان، در مقابله با آن، به عمد رفتارهایی را انجام داده است و یا باید اعمالی را
انجام می‌داد که عامدانه انجام نداده و موجب شده است تا حقوق شهروندی اتباع
افغانستان نقض گردد. نقض حقوق شهروندی در همه نسل‌های متنوع این حقوق
در ابعاد مختلف اتفاق افتاده است. حق آزادی و حق دسترسی به اطلاعات در ایام
کرونا، حق کار و اشتغال، حق آموزش، حق رفاه و سلامتی و تأمین اجتماعی در ایام
کرونا و حق داشتن محیط زیست سالم در ایام کرونا نقض شده است.

منابع و ماخذ:

قرآن کریم

- ابرندآبادی، علی حسین نجفی (۱۳۹۰)، رویکرد جرم‌شناختی قانون «حقوق
شهروندی»، در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: [بی‌نا].
- ابن منظور، محمد، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱۳، چ ۳، بیروت: دارالصادر.
- انصاری، اسماعیل (۱۳۹۰)، حقوق شهروندی (مجموعه مقالات)، تهران:
معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی ریاست جمهوری.
- جاوید، محمد جواد (۱۳۹۵)، حقوق بشر و شهروندی در آرای ائمه شیعه،
تهران: مخاطب.
- حسینی، سیده لطیفه، (۱۳۹۲) آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی
مفهوم حقوق بشر، چ ۱، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- الخوالده، محمد عبدالله، (۲۰۱۶م)، التریبه الوطنیه المواطنه و الائتمة،
عمان: دارالخلیج للصحافه و النشر.





- راسخ، محمد (۱۳۸۱)، حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش)، تهران: انتشارات طرح نو.
- الزبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، ج ۱۸، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- الزحیلی، وهبه (۲۰۰۶م)، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱۲، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- الزنیدی، عبدالرحمن بن زید، (۱۴۲۶ق)، المواظنه، ریاض: وزارت الشؤون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه.
- سعید، اسماعیل علی، (۲۰۱۱م)، المواظنه فی الاسلام، قاهره: سلام.
- شیانی، ملیحه، (۱۳۸۱)، «شهروندی و رفاه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۴، ص ۲۳-۹.
- عبدالملک، جندی، (بی تا)، الموسوعه الجنائیه، بیروت، دار العلم للجمعیه.
- علامه، غلام حیدر، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی افغانستان، ج ۲، کابل: دانشگاه ابن سینا.
- عمید، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ عمید، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عیسی نیا، رضا، (۱۳۹۴)، جمهوری اسلامی ایران و شهروندی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- الغنوشی، راشد، (۱۹۸۱م)، حقوق المواظنه، واشنگتن: المعهد العلمی للفکر الاسلامی.
- فلاح زاده، علی محمد، (۱۳۸۶)، «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری ش ۵۸، ص ۶۴-۴۷.
- فوزی، سامح، (۲۰۰۷م)، المواظنه، قاهره: مرکز القاهره لدراسات حقوق الانسان.
- قاضی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۸)، بایسته های حقوق اساسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قربان نیا، ناصر، (۱۳۹۴)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الکواری، علی خلیفه (۲۰۰۱م) مفهوم المواظنه فی الدوله الیموقراطیه»، مجله المستقبل العربی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۷، تهران: نشر نی.

- لنگرودی، محمدجعفر جعفری، (۱۳۸۵)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران: گنج دانش.

- معین، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ معین، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- منصورنژاد، محمد، (۱۳۹۲)، تأملات حقوقی، تهران: انتشارات جوان پویا.

- موسوعة الفقهية الكويتية، (۱۹۹۵)، ج ۲، کویت، انتشارات ذات السلاسل.

- ورعی، سیدجواد، (۱۳۸۱)، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، تهران: مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان.

- Citizenship in contemporary Faulks, Keith, (۲۰۰۲),
Edited by - Political Concepts A Critical Introduction.
Georgina Blakeley and Valerie BRYSON Press.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

- خبرگزاری افغان پرس، ۱۳۹۹: «با کدام سند، کرونا برای مسلمانان رحمت است؟»
۱۳۹۹/۲/۳. برگرفته از:

<https://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=۱۶۳۱۲۹>

- خبرگزاری العربیه، ۱۳۹۹: «والی کابل از مستاجران خواست تا کرایه خانه‌ها و مغازه‌ها را ندهند»
۱۳۹۹/۲/۵. برگرفته از:

[/https://farsi.alarabiya.net/۲۰۲۰/۰۴/۲۳](https://farsi.alarabiya.net/۲۰۲۰/۰۴/۲۳)

- خبرگزاری آواپرس، ۱۳۹۹: «تظاهرات باشندگان مزارشریف در اعتراض به فقر و بیکاری»
۱۳۹۹/۲/۶. برگرفته از:

[/https://avapress.com/fa/۱۵۸۸۱۲](https://avapress.com/fa/۱۵۸۸۱۲)

- خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۸: «کرونا در افغانستان؛ فرارده‌ها فرد مشکوک از شفاخانه»
۱۳۹۸/۱۲/۲۷. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۱۹۲۳۵۹۴>

- خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۸: «کرونا در افغانستان؛ نمایندگان مجلس: آمار کم مبتلایان 'دروغ' است»
۱۳۹۸/۱۲/۲۵. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۱۸۹۵۰۶۵>

- خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۳۹۸: «ویروس کرونا؛ پروتکل 'تدفین مردگان در ایران چیست؟»
۱۳۹۸/۱۲/۱۲. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/iran-features-۵۱۷۰۸۵۲۷>





- خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۹: «آمار رسمی کرونا در افغانستان: مبتلایان از مرز هزار نفر گذشت؛ جان باختگان: ۳۶ نفر» ۱۳۹۹/۱۲/۲. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan>

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۹: «کرونا در افغانستان؛ برای بچه دار شدن تا رسیدن واکسن کرونا صبر کنید» ۱۳۹۹/۴/۱۶. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۳۳۰۸۸۰۸>

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۹: «کرونا در افغانستان؛ مجازات متخلفین محدودیت‌ها در کابل: از جریمه نقدی تا حبس» ۱۳۹۹/۱۱/۱۷. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۲۱۷۱۲۰۳>

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۹: «کرونا در افغانستان؛ نمایندگان مجلس: آمار کم مبتلایان 'دروغ' است» ۱۳۹۹/۱۲/۲. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۱۸۹۵۰۶۵>

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۳۹۹: «کرونا؛ چرا سریلانکا از مالدیو خواست تا اجساد شهروندان مسلمانانش در آن کشور دفن شوند؟» ۱۳۹۹/۱۱/۳. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/world-features->

۵۵۳۶۹۶۱۷

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۴۰۰: «کرونا در افغانستان؛ مجازات متخلفین محدودیت‌ها در کابل: از جریمه نقدی تا حبس» ۱۴۰۰/۱۱/۱۷. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۲۱۷۱۲۰۳>.

- خبرگزاری بی بی سی، ۱۴۰۰: «موج جدید کرونا؛ مرز اسلام‌قلعه میان افغانستان و ایران بسته شد» ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰. برگرفته از:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۶۹۲۵۵۱۴>

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹: «کمک ۱۰۰ میلیون دلاری بانک توسعه آسیایی به افغانستان» ۱۳۹۹/۵/۳۰. برگرفته از:

[/https://www.irna.ir/news/۸۴۰۴۷۱۵۵](https://www.irna.ir/news/۸۴۰۴۷۱۵۵)

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹: «نارضایتی مسلمانان سریلانکا از اجباری شدن سوزاندن اجساد در این کشور» ۱۳۹۹/۱/۲۵. برگرفته از:

[/https://www.irna.ir/news/۸۳۷۴۹۴۹۰](https://www.irna.ir/news/۸۳۷۴۹۴۹۰)

- خبرگزاری روزنامه ۸ صبح کابل، ۱۳۹۹: «اجساد مبتلا به ویروس کرونا چگونه دفن می‌شوند؟» ۱۳۹۹/۱/۱۸. برگرفته از: [https://lam.af/how-](https://lam.af/how-are-the-bodies-off-coronaviruses-buried)

[are-the-bodies-off-coronaviruses-buried](https://lam.af/how-are-the-bodies-off-coronaviruses-buried)

- سایت المحكمة الأفريقية لحقوق الإنسان والشعوب، ۲۰۲۱م: «البروتوكول الممحق بالميثاق الأفريقي لحقوق الإنسان والشعوب بشأن إنشاء المحكمة الأفريقية لحقوق الإنسان والشعوب» ۱۴۰۰/۹/۱۰ برگرفته از: <https://www.african-court.org/wpafc/documents/?lang=ar>

- سایت رسمی سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱م: « Universal Declaration of Human Rights » ۱۴۰۰/۹/۱۰ برگرفته از: [https://www.un.org/en/about-the-international-court-of-justice-us/un-charter/statute-of-](https://www.un.org/en/about-the-international-court-of-justice-us/un-charter/statute-of)

- سایت رسمی سازمان ملل متحد در ایران، ۲۰۲۱م: « ميثاق بين المللى حقوق شهروندی و سياسى » ۱۴۰۰/۹/۱۰ برگرفته از: <https://iran.un.org/fa/۱۰۶۰۱۸-mythaq-bynalmly-hqwq-mdny-w-syasy>



